



جواد وقار
نویسنده و فعال سیاسی

حقیقت همیشه جاری

نشان گردد که استاد مزاری علی‌رغم وظیفه خطیر رهبری، سر و سامان دادن به جبهات و رسیدگی به امور مبارزین، یک فرهنگی هم بود و به مسائل فرهنگی توجه خاص داشت. همیشه دغدغه او در هر پایگاه، تأسیس یک کتابخانه بود. مدام مجاهدین را تشویق به مطالعه نموده و در صورت فرصت، جلسات مشترک کتاب‌خوانی دایر می‌کرد. کاری که در آن زمان در جبهات کمتر مرسوم بود. در واقع این استاد مزاری بود که با آن دید ژرف، آینده‌نگر و فرهنگی، جمع و جماعت را تشویق و مجموعه نخبه و فرهیخته‌ای را تربیت نمود که اکثر فرهنگیان، نویسندگان و قلم به داستان کنونی جامعه و مردم ما که در صحنه‌های گوناگون می‌درخشند، محصول فکر، توجه و زحمات استاد مزاری است. آن چه درباره خصوصیات فردی، اخلاقی و کارنامه سیاسی و فرهنگی استاد شهید در بالا ذکرش رفت، بسیار ناچیز است. در واقع اوج این هنرنمایی، عظمت کار و نقش تعیین‌کننده استاد مزاری در تشکیل حزب وحدت، متحد و یک پارچه نمودن مردم و مقاومت سه ساله در غرب کابل است. استاد مزاری از مردم متفرق و مصروف جنگ‌های داخلی، حزب یک‌پارچه و نیرومند ساخت که بعداً با رهبری خردمندان‌اش در مقاومت سه ساله غرب کابل در خشان‌ترین فصل تاریخ سرزمین‌مان را رقم زد. در زمان سه ساله مقاومت در غرب کابل است که شهید مزاری، ناب‌ترین تئوری‌ها را مطرح کرد، اساسی‌ترین نظریات سیاسی خود را به گوش مردم افغانستان و جهانیان رساند و بی‌پیشینه‌ترین گفتمان سیاسی را پیش کشید. گفتمانی که تا آن زمان، فضای سیاسی افغانستان با آن تئوری، به طور کامل بیگانه بود و بیان آن گفتمان تا قبل از شهید مزاری، تابو به حساب می‌آمد.

این درست است که طاهر بدخشی یا کسان دیگر قبل از استاد شهید، این جا و آن حرف از ستم ملی به میان آورده

بیست و سه سال از شهادت استاد مزاری می‌گذرد و در این مدت در افغانستان تحولات زیادی به وقوع پیوسته است. طالبان سقوط کرده اند و قدرت را در اختیار ندارند. گفتمان مذهبی رادیکال و قوم‌محور طالبان، رنگ باخته و دیگر آن نفوذ، شعاع و حمایت مردمی گذشته را ندارد. سطح سواد و معلومات عمومی مردم در این مدت ارتقاء پیدا کرده و نوع دید و ذائقه آن‌ها به زندگی تغییر کرده است که آن تغییر دید و نگاه، احتمال بازگشت طالبان و اندیشه طالبانی را در آینده، نامحتمل نموده است. در این مدت بیست و سه سال، آموزش و پرورش در کشور گسترش پیدا کرده و استقبال خانواده‌ها از امر تعلیم و تربیت دختران و پسران سبب یک رستاخیز فراگیر و عمومی در پیکر جامعه شده است که خود خیر از تضعیف فکر و اندیشه طالبانی در آتیه می‌دهد. وجود پرشمار رسانه‌های دیداری، شنیداری، چاپی و آزادی بیان، به قدرت تشخیص و معلومات مردم کمک کرده است که در یک نتیجه‌گیری منصفانه، تجرید و انزوای فکر و اندیشه طالبانی را به همراه داشته است. در این بیست و سه سال که از شهادت استاد مزاری به دست ناپاک طالبان می‌گذرد، علی‌رغم همه این رخدادهای خجسته و تغییرات مثبت در کشور، یک تغییر مبارک و گوارای دیگر هم در دید و نگاه جامعه و مردم رونما گردیده است و آن حقانیت گفتمان آن حقیقت همیشه جاری (استاد مزاری) است. در این که استاد مزاری پاک زیست، مؤمن، صادق، بی‌آلایش، ساده و بی‌تکلف زیست، تردیدی وجود ندارد. در این که استاد مزاری دارای یک جاذبیت خاص، کاریزماتیک، شجاعت و در اعتقاد دینی خود استوار و راسخ بود و این جاذبیت اعتقادی و کاریزمایی را تا آخرین لحظه حیات خود حفظ کرد، شکی وجود ندارد. این که در نفس خود مسلط و از زرق و برق، مال و دارایی دنیا هیچ به ارث نگذاشت، نیاز به توضیح ندارد. با همه آن چه ذکرش رفت، لازم است خاطر

ولی متأسفانه و صد افسوس که پیام‌های سیاسی استاد مزاری در آن زمان کمتر شنیده شد، آن فرصت طلایی و تاریخی با خیره‌سری، لجاجت، خودخواهی و کوتاه‌اندیشی تعدادی انحصارگر از دست رفت. راه تفاهم، دیالوگ و مصالحه را بسته و راه جنگ را برگزیدند. جنگ و نزاع راه انداختند، به حيله، نیرنگ، تهمت و دروغ متوسل شدند و حساسیت‌های قومی و مذهبی را تشدید کردند. در نهایت هم کشور را خراب و البته موفق شدند که دبیر کل حزب وحدت را نیز از سر راه‌شان بردارند.

گرچه وجود فزیک‌ی استاد مزاری را از سر راه برداشتند ولی تئوری‌های ایشان، جاودانه و تنها راه حل برای معضل افغانستان باقی ماند. در شرایط کنونی که جامعه جهانی در افغانستان حضور دارد. سطح سواد، درس و تحصیل در بین مردم رشد کرده است. فضای بسته سیاسی و مخوف پیشین دیگر وجود ندارد. دسترسی به رسانه‌های آزاد و وسایل ارتباط جمعی گسترده است. مردم برای گفتن سخنی، تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد و فتوای ملاهای تکفیری به آن برندگی سابق نیست. با آن هم هیچ تئوری و نظریات جدید و متفاوت با آنچه استاد مزاری مطرح کرد وجود ندارد، صاحب نظران برای بوجود آوردن يك دولت کارآمد، مشروع و عاری از تبعیض و تعصب، همه بر محور تئوری‌های استاد مزاری می‌چرخند. شاید نحوه بیان و کاربرد کلمات متفاوت باشد ولی محتوا همان است که در نظریات سیاسی استاد مزاری به خوبی بیان شده است. لذا جای تعجب ندارد که آن حقیقت همیشه جاری با گذشت بیش از بیست سال از شهادتش، همچنان زنده و محبوب بوده و در دل میلیون‌ها انسان در گوشه گوشه جهان جا دارد. تئوری‌های سیاسی شهید مزاری، امروز همان اندازه کارایی دارد که بیست و سه سال قبل داشت و همان قدر جدید و تازه است که دو دهه قبل بود و راز و رمز ماندگاری و جاودانگی استاد مزاری هم جز این چیز دیگری نیست.

بودند اما بسیار محدود و در حلقه‌های بسیار خاص روشن فکری منحصر بود و این از افتخارات حزب وحدت به رهبری شهید مزاری است که این تئوری‌ها را عمومی و در سطح عام مطرح نمود.

شهید مزاری در زمان مقاومت غرب کابل از عدالت، برابری و برادری سخن گفت، انحصار قدرت توسط يك عده محدود را زیر سؤال برد، از نابرابری‌های اجتماعی و عدم توزیع عادلانه ثروت و فرصت گفت، حقوق برابر شهروندی را مطرح کرد، تبعیض علیه زنان را قرون وسطایی و غیر قابل قبول خواند، برای برون رفت از بحران‌های مستمر و فراگیر در افغانستان، سهم عادلانه اقوام در قدرت را مطرح کرد.

از انصاف نگذریم، همه آن‌هایی که در فضای سیاسی آن روز افغانستان نفس کشیده‌اند، به خوبی می‌دانند که در حال و هوای آن روز افغانستان، مطرح کردن و بیان این موضوعات تا چه حد سخت بود و ارباب قدرت را در برابر استاد مزاری قرار داد. قبل از استاد مزاری، همه عادت کرده بودند و رسم بر این بود که قدرت به چالش کشیده نشود، حکومت زیر سؤال نرود، حاکمان گذشته نقد نگردند، گذشته تاریخی سلاطین مورد پرسش قرار نگیرد.

در واقع این استاد مزاری بود که برای اولین بار در تاریخ افغانستان با آن تئوری‌های ناب و راهگشا، قدرت و هژمونی حاکم را به چالش کشید، با گفتمان نو، غیر متعارف و بی‌پیشینه در مقام دبیر کل حزب وحدت، رشته‌های بسیاری را پنبه کرد و خواب جمع زیادی را پریشان ساخت. این در بیان مواضع سیاسی استاد مزاری در غرب کابل بود که لرزه بر اندام سلطه افتاده و دیوار بلند و دیرپای استبداد به شدت متزلزل شد. عقل و منطق حکم می‌کرد که تاریخ گذشته، مایه عبرت شود، جنگ افروزان انحصارگر، پیام بر حق استاد مزاری را شنیده، از در منطق، خرد، گفتگو و تعامل بر محورهای ارائه شده، همه با هم کنار آمده و با تفاهم اقدام به حل معضلات کشور کنند.

66

صد افسوس که پیام‌های سیاسی استاد مزاری در آن زمان کمتر شنیده شد، آن فرصت طلایی و تاریخی با خیره‌سری، لجاجت، خودخواهی و کوتاه‌اندیشی تعدادی انحصارگر از دست رفت. راه تفاهم، دیالوگ و مصالحه را بسته و راه جنگ را برگزیدند. جنگ و نزاع راه انداختند، به حيله، نیرنگ، تهمت و دروغ متوسل شدند و حساسیت‌های قومی و مذهبی را تشدید کردند.

99